



شعر امروز اردو

© محمود جمال



اردو، زبانی است متشکل از چند زبان. همان طور که از خورد واژه برمی آید هاردوه کلمه‌ای است ترکیبی به معنی هاردوگاه نظامی یا «گروه». این زبان از تأثیر متقابل جمعیت متمركز و برسی شمال هند و نیز غلبه مسلمانان ساکن آسیای مرکزی که از لرون دوازده و سیزده چاهگزن شده بودند، به وجود آمده و توسعه پیدا کرده است. شکل واضح و مجزای زبان نوشناری اردو مربوط به قرن هفدهم است؛ در حالی که ادبیات آن به قرن چهاردهم برمی گردد. این زبان، وارث گسترش سریع و طرز بیان ادبیات فارسی است و در عین حال، سادگی زبان روستایی هندی و بخاری پهلوی و سایر لهجه‌های ناحیه‌ای هندوستان را در خورد ترکیب کرده و توانسته است میلان خوبی در خورد بیان شعر و شاعری به دست آورد.

مادامی که مسلمانان در شهرها مستقر بودند، اردو به عنوان زبان غالب و مسلط گسترش و بسط می یافت و در همین اثناء، گرایش محلی منجمدی را برای جماعت روستایی به وجود می آورد. پس از سقوط مغولها و ظهور قدرت انگلیس بر هند شمالی، اردو کاملاً جایگزین زبان فارسی در ادارات شد. در حقیقت ارتباطی که این زبان با نفوذ و تسلط مسلمانان داشت، این امکان را فراهم ساخت تا ادبیات اردو موقعیت مرکزی را در حیات فرهنگی هندوستان به دست آورد. پس از جدا شدن پاکستان از هند، اردو به عنوان زبان ملی پاکستان پذیرفته شد و در هندوستان جای خود را به هندوش داد. در محاوره هر دو زبان یکی هستند؛ اما در نگارش، هندوش از دستخط مشتق شده از سانکریت بهره می برد.

در پاکستان که اردو زبان ملی است، جمعیت اندکی به زبان سادری خوردشان توجه دارند. در هندوستان و پاکستان، اردو بقایای زبانی مخلوط است. مهم ترین دلیل قبول عامه اردو ناشی از سیمای هند است؛ زیرا زبان اردو می باید آن قدر رقیق شود تا بتواند در آوازه‌های یک فیلم به کار رود.

پدین ترتیب فعالیت شمار زیادی از نویسندگان و شاعران در صنعت سینمای هند موجب می شد که زبان اردو زبانی محاوره‌ای و ادبی شود. در این صورت استفاده از آن برای مقاصد سیاسی نیز ساده می شد. حتی برخی از شاعران و حماسه سرایان دوباره رخنه‌های عالمگیر سیاسی شعر می گفتند.

گفتیم که ادبیات اردو وامدار ادبیات فارسی است تا جایی که شعر اردو مثلثا پیش از نیمه دوم قرن نوزدهم به شیوه اشعار فارسی سروده می شد و غزل، مثنوی، قصیده و رباعی آمیخت با صنایع پدیسی فراوان به شعر اردو شکل می داد. پس از مرگ آخرین امپراتور مغول - بهادرشاه - (که خود نیز شاعر بود)، شعر اردو وارد دوره رکود شد و به زوال گرایید. در سال ۱۸۵۷ هند شمالی تحت سلطه بریتانیا درآمد و در این جریان آخرین امپراتور مغول نقش به سزایی در شکست هندیان داشت. در این زمان، متفکران مسلمان علت شکست و رکود مسلمانان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. مهم ترین شخصیت مؤثر و پانفوذ برای به وجود آوردن این زمینه، پس از واقعه ۱۸۵۷، سید احمدخان (۱۸۱۷-۹۸) بود. وی سعی در اصلاح جامعه مسلمانان

داشت؛ حرکتی که بعدها Aligarh نامیده شد و از این رو با قلیب (۱۸۶۹ - ۱۷۹۷) - شاعر بزرگ و سازنده اساس نشر نوین اردو - ارتباط داشت. چنانشین سید احمد خان، الطاف حسین حالی (۱۹۱۲ - ۱۸۳۷) نظریه ادبیات نوین اردو را پایه ریزی نمود. حالی شاعر بود و نقاد، او شعر اردو را از درون گرایمی آمیخته با صنایع ادبی دور کرد و از آن برای مقاصد اجتماعی و سیاسی بهره برد.

محمد اقبال (۱۹۲۸ - ۱۸۷۳) با حفظ چهارچوب و شیوه زبان سنتی اردو، تغییرات بیشتری را در شکل و محتوای شعر اردو داد. چویش ملیح آبادی (۱۹۸۲ - ۱۸۹۶) عصر اقبال و دوره نوین شعر اردو را به هم متصل کرد و نظم اردو را از باغ غزل به مبدین واقعی و غیرخیالی هند قرن بیستم گشاید.

در دهه ۱۹۳۰، شعر اردو نقطه عطف دیگری داشت. در این دوره، شاعران، فشارهای اجتماعی را در اشعارشان منعکس کردند، بخش عمده سیاستها از حرکت آزادیخواهی هندیان ناشی می شد. حرکت نویسندگان ترقی خواه در این زمان سازماندهی شد. مهمترین انجمن ادبی هند (PWA) به غایت تحت تأثیر تکامل و پیشرفت شعر نوین اردو بود. بیشتر نویسندگان مهم، با عضو این حرکت بودند یا همکاری تنگاتنگی با آن داشتند. در این برهه از تاریخ هند، اردو زبان اصلی مقاومت فرهنگی شد. شاعران جمله؛ چون فیض احمد فیض و سردار جعفری از انقلاب ۱۹۱۷ الهام می گرفتند؛ گرچه آسیبهای ناشی از جنگ، استعار و تأثیرات ادبیات روسیه و فرانسه نیز نقش بسزایی داشتند. دوره جدید تغییر شکل و محتوا - پروژه در غزل مرشار از صنایع بدیعی آن دوره - در همین زمان شروع شد.

نماهای سنتی و کهنه شعر اردو - مجنون، ساقی، فاره، شهادت و خون - تماماً در این مرحله سنتی ادبیات نوین اردو وجود داشتند و تازگی و توان شعری خود را حفظ کرده بودند. هر یک از این کلمات به تنهایی

فهرتمند نیستند؛ اما قرینه شدن و پهلوی هم قرار گرفتن آنها را محکم می سازد. در این دوره از انقلاب شعر نوین اردو؛ یعنی دوره کشمکشها و تقلاهای ناسیونالیستها و تغییرات اجتماعی، «عاشق بیروانه»، انقلابی با شورشی می شود؛ «فاره» سمبل بی رحمی و ظلم حکمرانهاست، و «شهادت» فعالشمن سیاست. این کار فیض احمد فیض و همدره‌های هایش - وحشی شاعران بعدی همانند فراز - اغلب به شبیه سازی سنتی تکیه داشته و دارد؛ اما در آثار ن. م. راشد (معاصر فیض)، و اخیراً در اشعار ساقی فاروقی، عمیق حنیفی و منیر نهازی، می توان انحراف قطعی از شکل و موضوع را مشاهده کرد.

مهمترین و مطرح ترین شاعر ادبیات نوین اردو که مورد تحسین همگان قرار داشت، آغاز کارش در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۲۰ تا زمان مرگش در ۱۹۸۲، فیض احمد فیض است. قدرت وی در به کار گرفتن و ترکیب شجاعانه واژه‌ها و دوامبخش دقیق و ظریف خیالپردازی و آرومان گرایمی است. عبارات ساده و ایماژهای دست یافتنی وی نشان از آرزوهای او برای رسیدن به انسانیت دارند. وی اغلب از غزل برای انتقال پیام سیاسی استفاده می کرد؛ کاری که هیچ شاعری قبل او در محدوده زبان اردو انجام نداده بود. معاصر وی ن. م. راشد اولین نوگرایی واقعی ادبیات اردو بود. راشد نظم آزاد می نوشت و معرک موضوعات جدید بود. او بدعت گذاری بود که منتقدان گاه وی را هم‌دیف و همسطح فیض قرار می دادند و گاه بالاتر. راشد رابطه کلمات را می شکست و شکل و محتوای جدیدی را پس ریزی می کرد. خط موازی که بین فیض - راشد کشیده شده بود، با شاعرانی چون ساقی فاروقی و عمیق حنیفی ادامه پیدا کرد. اخترالایمان معاصر فیض و راشد - از حیث نوگرایی و زبان سخاوته برای بحث پیرامون موضوعات و مضامین استفاده کرد. این سه همراه با معراجی و علی سردار جعفری - به درجات مختلف - شاعران دیگر را تحت تأثیر قرار

دادند. دو شعر فیض؛ «طلوع آزادی» و «از من بخواه، ای دوست» تاکنون بر بسیاری از نروندگان جوان موثر بوده است.

اگر فیض، راشد، معراجی و اخترالایمان مهم ترین شاعران بودند، علی سردار جعفری بطور چشمگیری هدایت عقلانی و معنوی جریان ادبی دایره عهد داشت. اهمیت وی به عنوان یکی شاعر تکیه بر نوشته های نظری و نقادانه اش داشت، گرچه اشعار او - اغلب - فاقد پارکیبینی فیض بودند، او خود به بهترین یکی از دست اندرکاران اصلاح ادبیات اردو بود و زیبایی شناسی جامعه گرایمی را در این زبان به وجود آورد. اختیار شعر انقلابی اردو تا حد زیادی وابسته به وی است.

شعر علی سردار جعفری و حبیب جلیب نقطه مهمی بود که می بایست ترسیم کننده نقش پیشرونده شاعران اردو زبان و آثارشان در خط مشی فرهنگی و سیاسی باشد. در پاکستان که به چند دیکتاتوری نظامی تن داده است، این خلاقیت و جرأت مثال زدنی است. اگر نظری اجمالی به نضهای مهم شعر مقاومت و جنگ اردو بینکنیم، به زحمت می توانیم تعدادی از شاعران بزرگ را بیابیم که از حبس و زندان رهایی یافته باشند؛ فیض مدت زیادی از عمرش را در تبعید گذراند، احمد فراز و حبیب جلیب مدت های مديد ترک وطن کردند؛ حتی در هند نیز علی سردار جعفری ملتها در زندان به سر برد.

بیشتر شاعرانی که به زندان افتادند از نوشتن دست برداشتند و به واسطی برخی از آنها بهترین آثارشان را در زندان نوشتند؛ چون کیم چی ها در کره، ناظم حکمت در ترکیه، سید زهیری در سنگاپور و یانیس ریتوس در یونان.

پیشرفت مهم دیگر در شعر اردو - در مدت جنگ و پس از آن - ظهور زنان شاعر بود. شعر اردو با روش و محتوای شعر شاعرمانی چون فهمیده ریاض و کشور ناهید غنی شده و بسط یافته است. اکنون سایر زنان نویسنده در صحنه ادبیات اردو محکم و استوار ایستاده اند.